

یادداشت

دردسره‌های یک استیضاح برای آمریکا

است. دموکرات‌ها معتقدند هر یک از این دو اتهام، برای تحت تعقیب قرار دادن رئیس جمهور آمریکا کفایت می‌کند. (ابوالفتح، ۲۰۱۹) حال در شرایطی که مخالفان ترامپ، استیضاح او را احیای قانون اساسی ایالات متحده می‌دانند و معتقدند این عمل، مانعی در برابر افول آمریکا خواهد بود، موافقان وی از این استیضاح، به عنوان آخرین استیضاح رئیس جمهور در ایالات متحده، پیش از افول آمریکا تعبیر کرده‌اند؛ با این حال، به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران آمریکایی، افول این کشور از مدت‌ها پیش آغاز شده است و شاید تنها بتوان سیاست‌های داخلی و خارجی دولت ترامپ را عاملی سرعت بخش در این فرآیند دانست. «عظمت را دوباره به آمریکا برمی‌گردانیم»،^۳ شعار ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال

دستور داده است تا نگرارش بندهای استیضاح ترامپ را آغاز کنند. در شرایطی که کاخ سفید و بسیاری از جمهوری خواهان تلاش می‌کنند تا اتهامات مطرح شده برای استیضاح ترامپ را بی‌اهمیت جلوه دهند و آن را زمینه چینی دموکرات‌ها برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۲۰ بدانند، بر اساس نظرسنجی‌های اخیر، نزدیک به نیمی از آمریکایی‌ها معتقدند که باید ترامپ، استیضاح و برکنار شود. (Harwood, 2019) ترامپ متهم است که با باج‌خواهی از اوکراین و جلوگیری از پرداخت کمک نظامی آمریکا به کی‌یف، از قدرت ریاست جمهوری سوءاستفاده کرده است. همچنین، وی متهم است که در طی تحقیقات کنگره، از طریق ارباب و تهدید، مانع حضور شهود در جلسات تحقیق شده و از این طریق، در راه ایفای وظایف قانونی کنگره مانع تراشی کرده

در شرایطی که مخالفان ترامپ، استیضاح او را راه حلی برای جلوگیری از افول آمریکا اعلام کرده‌اند، بسیاری پایان امپراتوری ایالات متحده را سرنوشت محتومی می‌دانند که ترامپ، در حال سرعت بخشیدن به آن است.

استیضاح ترامپ، به خیر اصلی این روزهای رسانه‌های آمریکایی تبدیل شده است؛ کمیته اطلاعات مجلس نمایندگان^۱ ایالات متحده (HPSCI)، به‌طور رسمی رئیس جمهور این کشور را در ماجرای اصطلاحاً «اوکراین گیت ۲»، به سوءاستفاده از قدرت و همچنین تلاش برای ممانعت از ایفای وظایف کنگره متهم کرده و نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا بر اساس این اتهام، به کمیته قضایی کنگره

1-House Permanent Select Committee on Intelligence
2-Ukraine-ate



۲۰۱۶ بود که در حوزه سیاست خارجی با شعار «اول آمریکا»^۱ دنبال شده است. لازمه سیاست اول آمریکای ترامپ، کنار گذاشتن چندین دهه سیاست‌های فراملی لیبرال، به خصوص تعاملات و

دستورات بین‌المللی است که تعهد به افزایش همکاری‌های اقتصادی در راستای تجارت آزاد، ترویج حقوق بشر، دموکراسی و ارزش‌های لیبرال دارد که ترامپ با در آغوش گرفتن سیاست‌های ناسیونالیستی، از آن‌ها صرف نظر کرده است. سیاست‌های

جایگزین، همان‌طور که دولت ترامپ بارها و بارها مدعی آن شده است، شامل کاهش چشمگیر کمک‌های خارجی ایالات متحده، بررسی منظم ضمانت‌های امنیتی دیرینه داده شده به متحدان ایالات متحده و در صورت لزوم، امکان خروج از آن‌ها

1 - America First

به همراه کنار گذاشتن سیاست‌هایی است که به اصطلاح، به دنبال ترویج دموکراسی، به‌زامنداری و حقوق بشر در خارج از ایالات متحده است؛ روشی که می‌تواند زمینه افول سریع‌تر ایالات متحده در عرصه خارجی را مهیا کند.

نقص‌ها و بی‌عدالتی‌های ساختاری متنوع در اقتصاد سیاسی نئولیبرال^۱ ایالات متحده که همان الگوی حاکمیتی مورد پذیرش بسیاری از کشورهای جهان در مقیاس‌ها و وسعت مختلف است، وجود دارد که این نقص‌ها و بی‌عدالتی‌ها، خود کاهش قدرت آمریکا را تسهیل کرده است. حال در این میان و به‌طور خاص، دولت ترامپ با گسترش سیاست‌های نئولیبرالی به‌وسیله گفتمان‌ها و شیوه‌های استبدادی، بنیان‌های ظاهراً مشروع قدرت آمریکا را تضعیف کرده است؛ بر این اساس می‌توان گفت که تنها مشکل مشروعیت گفتمانی عامل افول آمریکا نیست، بلکه لفاظی تند ترامپ هم آن را بدتر کرده است. منطق انباشت ثروت نئولیبرالیسم، توزیع گسترده بی‌عدالتی را در داخل ایالات متحده و اقتصاد جهانی در پی داشته و ترامپ، بدون توجه به گفتمان‌های مربوط به حقوق بشر، دموکراسی و قانون دیکته شده توسط غرب، این منطق را برگزیده است. از سوی دیگر چندین دهه رکود اقتصادی و بحران‌های سیاسی در

سال‌های اخیر، مشکلات ساختاری عمیقی را در ایالات متحده ایجاد کرده است. در حالی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ و با پایان جنگ سرد، حس خوش‌بینی سیاسی بسیاری برای مقامات آمریکایی به وجود آمده بود که می‌توانند در راه پیشرفت اجتناب‌ناپذیر با دیکته بلامنازع از دموکراسی و حقوق بشر قدم بردارند که حادثه ۱۱ سپتامبر، دوره جدیدی از اتفاقات را در سیاست داخلی و خارجی آمریکا رقم زد. جنگی که بوش در خاورمیانه آغاز کرد، راه را برای گسترش بی‌سابقه دستگاه‌های امنیتی آمریکا مهیا و حتی موجب تقویت سیاست‌های تروریستی متحدان ایالات متحده شد؛ در همین حال، بحران مالی سال ۲۰۰۸، محدودسازی‌های بنیادین آمریکا بر اساس استثناگرایی (عقیده‌ای که مبتنی بر خودبرتربینی یک‌گونه، کشور، جامعه، نهاد، جنبش، فرد یا دوره زمانی است) را برجسته کرد. حال یکی از عناصر مهم درباره مسئله افول ایالات متحده - که در دوره ریاست جمهوری ترامپ بسیار مشهودتر شده است - عادی شدن گفتمان‌های نژادپرستانه، جنسیت‌گرایی و ملی‌گرای افراطی در این کشور است. (F.Regilme Jr., 2019)

کارشناسان معتقدند، زمانی که دولت‌های نئولیبرال حوزه‌های حساس خدمات اجتماعی^۲

شامل آموزش با کیفیت بالا و در دسترس، مراقبت‌های بهداشتی^۳ و سایر بخش‌های شبکه‌های تأمین اجتماعی^۴ را نادیده می‌گیرند، با گذشت زمان، جوامع دموکراتیک انتخاباتی با سطح شدید نابرابری مادی، به احتمال زیاد بی‌ثباتی سیاسی را تجربه خواهند کرد که این بی‌ثباتی در شرایط مناسب، می‌تواند منجر به افول دموکراتیک یا حتی فروپاشی شود. (Salvador Santino, F. Regilme, 2014). همان‌طور که تحقیقات تجربی اخیر نشان می‌دهد، ناامنی‌های شدید مادی^۵ در یک جامعه، می‌تواند اشکال گوناگون بی‌ثباتی سیاسی از جمله کودتاهای نظامی، جنگ‌های داخلی قومیتی^۶ و انواع مختلف درگیری‌های داخلی^۷ را ایجاد کند. در اینجا نشانه‌هایی وجود دارد که ریاست جمهوری ترامپ، موجب تسریع در حرکت ایالات متحده به سمت ناپایداری سیاسی شده است. (F.Regilme Jr., 2019). هرچند در حال حاضر، شرایط اقتصادی در جامعه آمریکا نشان‌دهنده بهبود وضعیت اشتغال بوده، اما واقعیت این است که سیاست‌های ترامپ بیش از آنکه طبقات محروم جامعه را توانمند سازد، به سود طبقات مرفه در این کشور بوده و ترامپ در کنار سیاست‌های نئولیبرالی خود

3-health care

4-social safety nets

5-severe material insecurities

6-ethnonationalist civil wars

7-internal conflicts

2-social provision

1-neoliberal

وضعیت اقتصادی ایالات متحده دوام زیادی نخواهد داشت و با توجه به اینکه، این کشورها در حال پر کردن سریع جای خالی ایالات متحده در فضای سیاسی و اقتصادی بین الملل هستند، از سوی دیگر آمریکای بعد از ترامپ، بیش از پیش در باتلاق افول فرو خواهد رفت؛ سرنوشت محتومی که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان در ایالات متحده، حتی با استیضاح ترامپ نیز تغییر نخواهد کرد.

منابع

1. F.Regime Jr., S.S. (2019, June). The decline of American power and Donald Trump: Reflections on human rights, neoliberalism, and the world order. *Geoforum*, 102, pp. 157-166. Retrieved from <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0016718519301198>
2. finoh, m. (2018, SEPTEMBER 24). Five Ways the Trump Administration Has Attacked the U.N. and International Human Rights Bodies. *aclu, Human Rights Program. aclu*. Retrieved from <https://www.aclu.org/blog/human-rights/five-ways-trump-administration-has-attacked-un-and-international-human-rights>
3. Forsythe, D. P. (2017, May 24). Hard times for human rights. 16, pp. 242-253. Retrieved from <https://doi.org/10.1080/14754835.2017.1313698>
4. Harwood, J. (2019). A year out from the 2020 election, nearly half of Americans want Trump impeached and removed, new NBC/WSJ poll says. *cnbc*. Retrieved from <https://www.cnbc.com/2019/11/03/nearly-half-want-trump-impeached-removed-nbc-wsj-poll.html>
5. Salvador Santino F. Regilme, J. (2014, July 29). Bringing the Global Political Economy Back In: Neoliberalism, Globalization, and Democratic Consolidation. Volume 15 (issue 3), pp. 277-296. Retrieved from <https://doi.org/10.1111/insp.12020>
6. ابوالفتح، ا.ع. (۲۰۱۹). ترامپ، یک قدم نزدیکتر به استیضاح و محاکمه / تحلیل. پارس تودی. Retrieved from <https://parstoday.com/fa/america-1178322>

که حتی دولت بوش هم به صورت ابزاری از شعار ترویج دموکراسی و حقوق بشر برای توجیه رفتار وحشیانه «جنگ علیه ترور» استفاده می کرد، آنچه ترامپ را از این نظر منحصر به فرد کرده، گفتمان او در رد هنجارهای حقوق بشری به همراه اقدامات سیاسی مشخص و زیان آور برای وجهه ایالات متحده است. این اقدامات شامل مواردی از قبیل تهدید کارکنان دادگاه بین المللی کیفری از طریق ممنوعیت مسافرت به ایالات متحده و تحریم های مالی، خروج از شورای حقوق بشر سازمان ملل، کنار کشیدن از نشست های پیمان جهانی مهاجرت^۱، لغو عضویت در یونسکو و همچنین، حذف کمک های ایالات متحده به آژانس امداد رسانی و کاریابی برای آوارگان فلسطینی^۲ است. (finoh, ۲۰۱۸) از سوی دیگر، ترامپ که با سیاست اول آمریکای خود در حال جنگ تجاری با متحدان و همکاران دیروز ایالات متحده است، هر چند اکنون توانسته با بستن درهای آمریکا وضعیت اقتصادی را در داخل این کشور بهبود بخشد، اما از سوی دیگر، پیام واضح پایان اقتصاد لیبرال را به همه دنیا مخابره کرده است و در شرایطی که اقتصادهای نوظهور مانند چین، هند و رقبای سیاسی مانند روسیه، در حال احیای مجدد خود هستند، به نظرمی رسد ماه عسل

برای افزایش ثروت در این کشور، خدمات عمومی را - که در دوران قبل برای نجات زندگی طبقات ضعیف ایجاد شده بود - حذف کرده است. موضوعی که با وخیم تر کردن شرایط برای این طبقه در حال رشد در ایالات متحده، می تواند زمینه را برای قیام مردمی فراهم کند. در کنار همه این موضوعات، باید توجه داشت که در دهه های اخیر، قدرت آمریکا فقط بر پایه توانایی آن برای اجبار طرف های داخلی و خارجی مبتنی بر دستگاه های امنیتی و قدرت نظامی نبوده و از اهرم هایی مانند حقوق بشر، دموکراسی و بازار آزاد، بهره می گرفته است. با این حال، ادبیات سیاسی دولت ترامپ این ابزار برتری جویی اخلاقی ایالات متحده را با سروصداهای جنسیت گرایانه، نژاد پرستانه، تبعیض آمیز و سخنرانی های شدیدالحن متعصبانه - که در رسانه های داخل و خارج آمریکا به شکل کامل انعکاس پیدا می کند - تحلیل برده است. پیش از سخنرانی های ضد دموکراتیک ترامپ، سیاست خارجی آمریکا عموماً به ظاهر از ترویج دموکراسی و حقوق بشر حمایت می کرد، البته در بسیاری از موارد هم، از این وسایل به روش های شیطانی برای توجیه مداخلات نظامی فاجعه بار ایالات متحده استفاده می شد. (Forsythe, 2017) حال در شرایطی

1-war on terror

2-the Global Compact for Migration

3-UN Reliefs and Works Agency